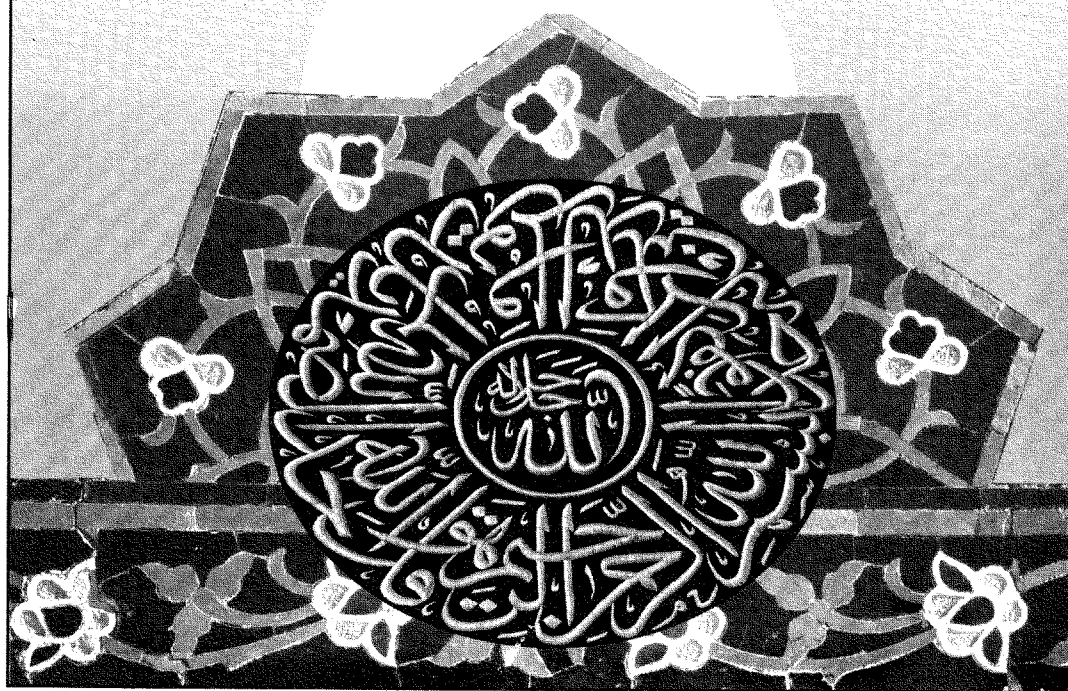
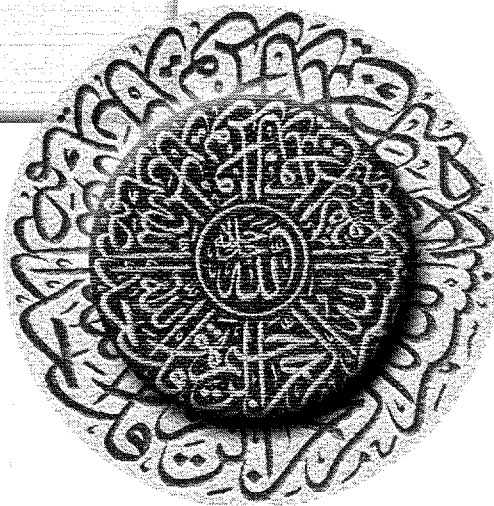


اماکن و آثار



برهنه کردن کعبه از جامه به هنگام تجدید جامه



محمد الدقن / هادی انصاری

می‌سپردند و وقتی جامه‌ای که بر روی کعبه قرار داشت آسیب می‌دید، جامه نوین دیگری را بر روی آن قرار می‌دادند و هیچگاه جامه‌های پیشین را از روی آن بر نمی‌داشتند...»^۱

بدیهی است باقی ماندن جامه‌های کهنه و مندرس براندام بیت‌الله‌الحرام، مورد پسند هیچ انسان با ذوق و سلیمی نبود، لیکن مردمان جاهلیت را نمی‌توان سرزنش کرد؛ زیرا آنان این کار را بر اساس اعتقاد و حسن نیت انجام می‌دادند، هنگامی که اسلام ظهور کرد و ذهنیت آنان را ترقی داد و سطح زندگی اجتماعی آنان پیشرفت نمود، مسلمانان به هنگام قرار دادن جامه نوین بر کعبه، جامه

بی‌شک برهنه کردن کعبه مشرفه از جامه، به منظور آویختن جامه نوین بر آن، امری است مباح و بی‌اشکال؛ زیرا کعبه از دوران حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام به مدت طولانی، عاری از جامه بود تا اینکه با آمدن تبع حمیری به مکه مکرمه، جامه‌ای بر آن قرار داده شد. به گفته مشهور، وی نخستین کسی است که کعبه را با جامه آراست.

ازرقی از ابن ابی‌ملیکه روایت کرده است که: «کعبه در دوران جاهلیت به وسیله چندین جامه پوشانده می‌شد هرگاه شخصی جامه‌ای را به کعبه هدیه می‌کرد، آن جامه آویخته می‌شد و دیگر جامه‌ها را در خزانه کعبه به ودیعت

پیشین را از روی آن برداشتند.

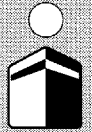
تاریخ نگاران در مورد عاری نمودن کعبه از جامه روایات متعددی را آورده‌اند. برخی نقل کرده‌اند که عمر بن خطاب هر سال جامه پیشین کعبه را از روی آن بر می‌داشت و در میان حاجیان تقسیم می‌کرد که آنان از جامه قدیمی کعبه به هنگام اقامت خود در مکه، به عنوان سایبان استفاده می‌کردند، لیکن بیشتر تاریخ نگاران تقریباً به صورت اجماع آورده‌اند: نخستین شخصی که کعبه را از جامه قدیمی عاری نمود و به جهت تمیز کردن و سبک نمودن آن از جامه‌های قدیمی و قرار دادن جامه جدید، به همراه خوشبو کردن آن با عطر عالی، همانا «شبهه بن ابی طلحه حجبی» بوده که نسب پرده داران کعبه؛ یعنی شیبان به او ختم می‌گردد. این کار در دوران معاویه بن ابوسفیان صورت گرفته است. بنابراین، عاری کردن کعبه از جامه‌های قدیمی به وسیله عمر و دیگران، تنها به منظور تخفیف از جامه‌های انباشته بر روی کعبه بوده و کعبه را به طور کامل عاری از جامه نمی‌کرده است.

از ابن ملیکه روایت کرده‌اند که

گفت: «جامه‌ها و پوشش‌های بسیاری از جامه‌های دوره جاهلی بر روی کعبه بود که از انواع چرم و پارچه‌های مویی و راه راه بوده و تمامی آنها یکی بر روی دیگری قرار داده می‌شده است. پس از ظهور اسلام هنگامی که به هزینه بیت‌المال جامه بر کعبه پوشانیدند، هربار قسمتی از جامه‌های پیش را از روی کعبه بر می‌داشتند. به روزگار حکومت عمر و عثمان، پارچه‌های قباطی را از مصر آورده و بر کعبه قرار می‌دادند. عثمان نیز دو بار در سال، جامه‌ای از پارچه‌های یمنی را بر کعبه می‌پوشاند که پارچه‌های یاد شده را به وسیله کارگزار خود در یمن «یعلی بن منبه» بدین منظور فراهم می‌آورد. پس عثمان نخستین کسی بود که بر کعبه دو جامه (یکی را بر دیگری) قرار داد.

چون معاویه به حکومت رسید. جامه دیا و قباطی را بر کعبه پوشانید. شبهه بن عثمان^۲ پیشنهاد کرد جامه‌ها و باقیمانده از پارچه‌های دوران جاهلیت از کعبه جدا شود و چیزی از نجاست مشرکان دوره جاهلی که به سبب دست کشیدن آنان، جامه‌ها آلوده شده بود، بر کعبه باقی نماند. در این باره برای معاویه نامه‌ای نوشت و معاویه آن هنگام در شام





بود. او در پاسخ نوشت: تمام جامه‌های پیشین کعبه را از آن جدا کند و بدین منظور جامه‌ای از پارچه‌های دیبا و قباطی و حبری ارسال نمود.

راوی می‌گوید: خود دیدم که شبیه جامه‌ها را از روی کعبه برداشت و چیزی از آنها را بر کعبه باقی نگذاشت. نامبرده تمام دیوارهای کعبه را با خلوق و عطر آغشته نمود، سپس همان جامه‌ای را که معاویه فرستاده بود، بر آن قرار داد و جامه‌های پیشین را میان مردم مکه تقسیم نمود. ابن عباس هم در این حال، درون مسجد حاضر بود و برداشتن جامه‌ها از روی کعبه را نظاره می‌کرد و خود دیدم که او از این کار ناراحت نشد و آن را زشت نشمرد.^۳

همچنین باردیگر در سال ۱۶۰ ه. ق. هنگامی که مهدی خلیفه عباسی حج گزارد، کعبه کاملاً از جامه عاری گردید بدین صورت که به او گزارش دادند تعداد زیادی جامه بر روی هم انباشته شده و سنگین گردیده است؛ به طوری که بیم آن می‌رود دیوارهای کعبه فرو ریزد. وی دستور داد همه جامه‌ها را از روی آن برداشته و چیزی به آن باقی نگذاشتند. سپس به تمام

دیوارهای بیرونی و درونی کعبه غالیه و مشک و عنبر مالیدند و نیز تمام دیوارها، از پایین تا بالا و پیرامون آن را به مشک آغشته کردند. از آن پس سه جامه از پارچه‌های قباطی و خز و دیبا بر آن پوشانیدند.

راوی می‌گوید: در تمام مدتی که بر کعبه مشک و عنبر می‌مالیدند و بر آن جامه می‌پوشاندند، مهدی روی بام مسجد الحرام، جایی نزدیک به «دارالندوه» نشسته بود و کعبه را می‌نگریست. از آن پس تا سال ۲۰۰ ه. ق. همچنان هر سال جامه‌ای بر کعبه می‌آویختند و چیزی از آن‌ها کم نمی‌کردند. در سال یاد شده، «حسین بن حسن افضس طالبی علوی» در فتنه‌ای که آغاز گردید، به مکه در آمد و جامه‌های کعبه را از روی آن برداشت؛ دو جامه ابریشم نازک، یکی به رنگ زرد و دیگری سپید بر کعبه پوشانید. در آن هنگام که کعبه عاری از جامه گردیده بود، رنگ دیوارها آشکار شد و کعبه همچون رنگ عنبر درخشان بود که به نظر می‌رسد باقی مانده‌های مشک و عنبری بوده که با آن دیوارهای کعبه را آغشته بودند.^۴

همچنین کعبه در سال ۶۴۳ ه. ق. بر اثر بادِ توفان، که به مکه روی آورد. جامه کعبه مشرفه را از روی آن برداشت و آن باد مدت بیست و یک روز ادامه یافت و در این مدت کعبه همچنان عاری از جامه بود، تا اینکه به وسیله مرد نیکوکار «منصور بن منعه بغدادی» که در آن هنگام، بزرگ حرم مکی به شمار می آمد، جامه بر روی کعبه قرار داده شد. در سال ۹۵۹ ه. ق. در درون سلطنت سلیمان قانونی عثمانی، بار دیگر جامه کعبه به جهت اصلاح و ترمیم سقف و چوب های آن، از روی آن برداشته شد که پس از پایان ترمیم، جامه را مجدداً بر روی کعبه قرار دادند.^۵

این مطالب گفته هایی بود که تاریخ نگاران درباره جامه کعبه و عاری شدن آن از جامه ذکر کرده اند. البته این بدان معنی نیست که کعبه تنها در موقعیت های یاد شده، بدون پوشش قرار گرفته باشد؛ زیرا عاقلانه به نظر نمی رسد که جامه های کعبه مشرفه در طول قرن های متمادی گذشته همچنان بر کعبه قرار گرفته باشد، بلکه منطقی حکم می کرد که هر چند مدتی یک بار جامه ها را از روی کعبه برداشته، آن را سبک کنند و

نیز هنگامی که اصلاحات و ترمیم هایی در ساختمان کعبه صورت می گرفت، آن را عاری از جامه می کردند. همچنان که در دوران کنونی ما، در سال ۱۳۷۷ ه. به علت تجدید سقف کعبه، آن را عاری از جامه نمودند.^۶

در این جا نکته ای که لازم به یادآوری است، آن است که زمان برداشته شدن جامه از روی کعبه دارای تاریخ و زمان معین نبوده، همانند قرار گرفتن جامه نوین بر آن در هر سال، لیکن آنچه که به نظر می رسد این است که تغییر جامه کعبه در هر سال، از دوران ممالیک معمول شد، به ویژه پس از وقفی که از سوی «سلطان صالح اسماعیل» برای جامه کعبه در هر سال قرار داده شد. از آن تاریخ به بعد، سالانه به طور منظم جامه کعبه ارسال گردید و خداوند به حقیقت امور آگاه تر است.

شست و شوی درون کعبه معظمه:

شست و شوی درون کعبه مشرفه از دیرباز به صورت سنتی معمول در آمده است. نخستین بار درون کعبه از سوی پیامبر گرامی ﷺ شست و شو داده شد و این کار در روز فتح مکه، پس از شکستن





بتها و از میان بردن آثار شرک و بت پرستی به انجام رسید.

فاسی می نویسد: «هنگامی که رسول خدا ﷺ طواف خویش را به پایان رسانید. عثمان بن طلحه را احضار نمود و کلید کعبه را از وی گرفت و در کعبه را برای ایشان باز کردند. پس حضرت به درون کعبه وارد شدند، در آن کبوتری از چوب دید که با دست خود آن را شکسته و بر زمین افکند.»

نامبرده در جای دیگر از اسامه بن زید روایت می کند که گفت: «به همراه رسول خدا ﷺ به درون کعبه وارد شدم، حضرت تصویری را در آنجا دیدند، پس ظرف آبی را طلب کردند. آن را برای ایشان حاضر نمودم. حضرت با آب شروع به محو کردن تصویر نمود و فرمود: «خداوند بکشد قومی را که چیز خلق نشده ای را به تصویر می کشند.»^۷ از آن پس شست و شوی کعبه معظمه به صورت سنتی باقی مانده از دوران رسول خدا ﷺ تا کنون در آمده و این سنت در طول سالیان دراز گذشته، معمول بوده و هست.

در دوران های پیش از این، شست و شوی کعبه از درون، بیش از

یکبار در سال معمول بود. که این کار در روز پس از بیست و نهم رجب، و در روز بیست و هفتم ذی القعدة جهت آمادگی برای حج و نیز در هفته اول از ماه محرم^۸ صورت می گرفته است. اما در نیمه اول از قرن چهاردهم هجری، شست و شوی درون کعبه دو بار در سال تعیین گردید که نخستین بار آن در اواخر ماه ذی القعدة و دیگری غالباً در روز دوازدهم از ماه ربیع الاول شست و شو داده می شد. در دوران ما، شست و شوی کعبه مشرفه دو بار در سال، نخست در مراسم حج و دیگر در ماه شعبان انجام می شود.

به نظر می رسد که علت شست و شوی متعدد درون کعبه در سال، در دوران های گذشته، این بوده که در آن هنگام پرده داران کعبه در برابر پاداش و هدیه هایی، به حاجیان اجازه ورود به درون کعبه در موسم حج و نیز موسم عمره رجبیه و نیز گاه در بعضی مناسبات مذهبی می دادند. بنابراین، شست و شوی درون کعبه پس از پایان آن زمان ها ضروری به نظر می رسیده است. اما اکنون، به هیچ یک از حاجیان و نیز عمره گزاران، در زمان های عمره، اجازه ورود به درون کعبه داده نمی شود،

که در این میان برخی بزرگان از شخصیت‌های دولتهای اسلامی، مانند رؤسای جمهور کشورهای اسلامی از این قاعده مستثنی هستند. بنابراین، شست و شوی درون کعبه پیش از یک یا دو بار در سال ضرورتی نداشته که هم اکنون در موسم حج، هنگام تغییر جامه کعبه و برداشته شدن جامه پیشین از روی آن، کعبه را از درون شست و شو داده و دیوارهای درونی و بیرونی آن را خوشبو می‌سازند.

اما چگونگی شست و شوی کعبه اینگونه است:

در پگاه روز تعیین شده برای شست و شوی کعبه، رئیس پرده‌داران لحظاتی پس از طلوع آفتاب به همراه دیگر پرده‌داران از خاندان شیعی در حطیم حضور می‌یابند و در این هنگام در کعبه گشوده می‌شود. خدمتکاران، پرده‌داران، ظرف‌های مملو از گلاب و نیز شیشه‌های عطر گل و عود سوزها را به همراه عنبر و عود و نذ و نیز لباس‌هایی که غالباً از نوع «شال کشمیری» بوده، برای پوشیدن آن به هنگام شست و شوی کعبه به همراه می‌آوردند.

عادت بر این بوده که همواره رئیس

پرده‌داران، پادشاهان یا امرا و فرماندهان و نیز وزرای کابینه، قاضی و رؤسای ادارات گوناگون را در این مراسم دعوت می‌نمود، که پیش از حضور آنان به لحظه‌ای تمامی مواد و وسایل لازم برای شست و شو آماده می‌گردید. سازمان اوقاف نیز معمولاً جاروهای مورد لزوم در این مراسم را مهیا می‌نمود. در این هنگام، بزرگ‌گ زمزمی‌ها به همراه سقا‌های آب زمزم حاضر شده و سطل‌های پر شده از آب زمزم را دست به دست به سوی کعبه هدایت می‌کردند. پرده‌داران و دستیاران آنها، سطل را گرفته و به درون کعبه معظمه می‌بردند.

پس از آماده شدن کلیه لوازم یاد شده در درون کعبه مشرفه، میهمانان دعوت شده برای شست و شو به درون کعبه وارد شده و آنگاه هر یک از آنان لباس‌های ویژه را در اختیار گرفته و به تن می‌کنند، سپس همگی در حالی که هر یک جارویی به دست می‌گیرند، عملیات شست و شوی کعبه معظمه با آب زمزم را، که در آن گلاب مخلوط کرده‌اند، آغاز می‌کنند. پس از پایان شست و شوی زمین کعبه و برخی از قسمت‌های دیوارهای پیرامون آن،





شروع به پاک کردن دیوارها تا ارتفاع یک قامت از انسان با گلاب کرده، سپس به وسیلهٔ عطر گل قسمتهای یاد شده را خوشبو می‌سازند. عطر گل را غالباً در ظرف‌های شیشه‌ای سفید یا بلور قرار می‌دادند. پس از پایان کار خوشبو کردن. عنبر و عود و نَدَّ را در بخوردان‌های بسیار زیبا و مجللی قرار داده و تمامی درون کعبه و پیرامون آن را پس از خشک کردن زمین آن، با اسفنج بخور می‌دهند.

در پایان مراسم شست و شوی کعبهٔ معظمه و خوشبو کردن آن، پرده‌داران جاروهای یاد شده را در میان مردم گردآمده بر در کعبه، تقسیم و توزیع می‌کنند.^۹ پس از پایان شست و شوی کعبهٔ معظمه و خوشبو کردن آن، طبق معمول در لحظه‌ای که جامهٔ قدیمی و پیشین آن از روی آن برداشته می‌شود. هم زمان در همان لحظه جامهٔ نوین کعبه معظمه بر آن قرار داده می‌شود.

عطر آگین نمودن کعبه

بی شک خوشبو کردن دیوارهای کعبه از درون و برون کاری مستحب و پسندیده به شمار می‌آید. لیکن ما در جستجویی که در میان کتاب‌ها و

نوشته‌های تاریخ‌نگاران در این باره کرده‌ایم، به مطلبی که نشانگر این کار به وسیله مردم دوران جاهلیت و یا صدر اسلام به صورت منظم باشد برخورد نکردیم.

البته گاه اشاراتی وجود دارد که در دوران جاهلیت برخی خلوq و عود سوز را برای عطر آگین نمودن کعبه از درون و برون اهدا می‌کرده‌اند.

اما در صدر اسلام، رسول خدا ﷺ و ابوبکر و عمر و عثمان پس از جامه کردن کعبه حرکتی را بعنوان خوشبو کردن دیوارهای آن انجام نداده‌اند.

معاویه بن ابوسفیان نخستین شخصی بوده است که کعبه را با خلوq و عود خوشبو کرده است که این کار برای اولین بار و به صورت منظم از دوران اموی به یادگار ماند. نامبرده غلامی را بدین منظور تعیین کرده بود که پس از هر نماز، کعبه را خوشبو سازد، از آن پس معاویه سالی دو بار؛ نخست در موسم حج و دیگری در ماه رجب مقداری عود و خلوq را بدین منظور ارسال می‌نمود که پس از وی جانشینان او نیز از این سنت پیروی کردند.^{۱۰}

این کار معاویه به نظر می‌رسد به

علت آن بوده است که در آن هنگام «شیبۀ بن عثمان» پرده‌دار، به معاویه نوشت: جامه‌های دوران جاهلی را از روی کعبه بردارد تا اثری از نجاست آنان بر کعبه باقی نماند، که معاویه نیز به این مسأله فرمان داد و کعبه عاری از جامه گردید. و در این هنگام بود که دیوارهای کعبه را عطر آگین نمودند. بنابراین، پیش از آن کعبه عاری از جامه نبوده و نیازی به خوشبو ساختن دیده نمی‌شده است.

پس به همین جهت معاویه به عنوان نخستین کسی که وظیفه خوشبو ساختن کعبه را به انجام رسانید، شناخته می‌شود.

پس از آن، عبدالله بن زبیر نیز هنگام به پایان رسانیدن ساختمان کعبه به خوشبو ساختن آن همت گماشت و همه دیوارهای درونی کعبه را با مشک و عنبر از بالا تا پایین آغشته نمود، سپس جامه کعبه را بر آن پوشانید. نامبرده همه روزه یک سطل عطر و بوی خوش را به کعبه می‌مالید و در روز جمعه این مقدار را به دو سطل افزایش می‌داد.^{۱۱}

عبدالملک بن مروان نیز هر سال جامه‌ای را به سوی کعبه ارسال می‌داشت که همراه آن عطر و عود برای کعبه و

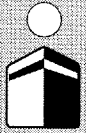
مسجد رسول خدا ﷺ می‌فرستاد.^{۱۲}

هنگامی که مهدی عباسی در سال ۱۶۰ هـ. ق. حج‌گزارد، به او گزارش دادند که تعداد زیادی جامه بر روی هم انباشته شده و کعبه را سنگین کرده است، به طوری که بیم آن می‌رود دیوارهای آن فرو ریزد. مهدی دستور داد، همه آن جامه‌ها را برداشتند سپس بر تمام دیوارهای بیرونی و درونی کعبه غالیه و مشک و عنبر مالید و بر تمام دیوارها، از پایین تا بالا و از همه جوانب مشک مالیدند، سپس کعبه را جامه پوشانید. مهدی در این هنگام در مسجد نشسته بود و خود ناظر آغشته شدن کعبه به غالیه بود. محمد ابن اسماعیل بن ابراهیم پرده‌دار (حجیبی) می‌گوید: «با شیشه‌های آکنده از غالیه بر بام کعبه رفتیم و آنها را روی دیوارهای بیرونی آن ریختیم. خدمتگزاران کعبه هم در حالی که خود را از ریسمان‌ها و قلاب‌ها آویخته بودند، از پایین تا بالای دیوارها را مشک و غالیه اندود کردند».

گفته شد که رنگ تیره سنگ‌های کعبه در نتیجه آغشته شدن آن به غالیه‌های یاد شده بوده است.^{۱۳}

از آنچه که گذشت، آشکار می‌گردد که عطر آگین نمودن کعبه





به صورت منظم، از دوران معاویه بن ابوسفیان آغاز گردید و از آن پس هر یک از خلفا و سلاطین پس از او، تاکنون همچنان سنت وی را پی گرفته‌اند.

اما اینکه تاریخ نگاران از سنت عطر آگینی کعبه به هنگام سخن از جامه، یاد نکرده‌اند، شاید بدان جهت است که مسأله عطر آگینی کعبه - با گذشت ایام - امری عادی و جزئی از عملیات جامه کردن کعبه درآمده بود و بدین سبب آنان تنها به ذکر جامه کردن کعبه بسنده کرده‌اند. گواه بر این گفته، آن است که تاریخ نگاران از نام کسانی که کعبه را به وسیله جامه پوشانیده‌اند، با فاصله زمانی نسبتاً طولانی یاد کرده‌اند حال آیا این بدان معنی است که کعبه تنها در دوران این افراد به وسیله جامه پوشانیده شده است؟ باید گفت: چنین نیست؛ زیرا جامه در هر سال به همراه خلوق و عود و دیگر انواع عطر بعنوان یکی از ضروریات جامه به کعبه ارسال می‌گردیده است. لازم به تذکر است که عطر آگینی کعبه آنچنان در میان مردم مقدس گردیده بود که گروهی به منظور شفا یافتن از عطرهای کعبه، از آن استفاده می‌کردند. از سعید بن جبیر روایت شده است:

«او از عطر کعبه بعنوان شفا استفاده می‌کرده است. و گوید: عطا گفت: هنگامی که یکی از ما قصد شفا از عطر کعبه را داشتیم، عطر را به کنار حجر (الأسود) آورده و پس از عطر آگین کردن آن، دستهای خود را بعنوان شفا یافتن بر آن می‌مالیدیم».

پس از آنکه مراسم شست و شوی کعبه معظمه و عطر آگینی آن به پایان می‌رسید، جامه جدید را در همان لحظه‌ای که جامه پیشین از روی آن برداشته می‌شد، بر بالای کعبه قرار می‌دادند.

مراسم جابجایی و تعویض جامه

قرار دادن جامه نوین بر کعبه معظمه: برخی گمان می‌کنند که جامه را در آغاز به درون کعبه برده و سپس به وسیله پله درونی کعبه آن را بر بام کعبه منتقل می‌نمایند، در حالی که به دو علت این کار صورت نمی‌پذیرد:

نخست آنکه: پله‌های درونی کعبه آنچنان تنگ و باریک است که تنها یک نفر می‌تواند از آن بالا برود و یا پایین بیاید. دوم: قطعه‌های جامه ضخیم و سنگین و بلند بوده که هیچگاه امکان بالا

بردن آنها از پله‌های باریک در درون کعبه وجود نداشت. بنابراین، چاره‌ای جز انتقال آنها به وسیله طناب از خارج کعبه به بام نبود و این تنها راهی بود که سال‌ها جامه جدید را به هنگام جایگزینی آن با جامه قدیمی به بام کعبه منتقل می‌کردند.

«ابن فضل الله عمری» چگونگی قرار دادن جامه نوین بر کعبه را توصیف کرده و می‌گوید:

«هنگامی که در سال ۷۳۸ ه. ق. حج گزاردم، به همراه فرماندهان کاروان مصری برای پوشانیدن جامه کعبه شریفه، بر بام آن بالا رفتیم، زمین بام را پوشیده از مرمر و سنگ‌های سفید مشاهده کردم، در حالی که پیرامون آن را دیواری کوتاه در بر گرفته بود. بر روی این دیوار حلقه‌های متعددی قرار داده شده بود که طناب‌های جامه در آنها گره خورده و جامه را ثابت نگاه می‌داشت. این روش تا پایان ارسال جامه از مصر به کعبه مشرفه همچنان معمول بود.

جامه از ده قطعه تشکیل می‌گردید؛ هشت قطعه جامه اصلی (احمال) که بر هر یک از دیوارهای چهارگانه کعبه دو جامه (حمل) قرار داده می‌شد که اضافه بر آن پرده بیرونی در کعبه مکرمه (برقع) و پرده

در پله‌های درونی کعبه، که معروف به «باب التوبه» می‌باشد نیز به همراه آنها قرار داشت. هر یک از قطعه‌های یاد شده بسیار بزرگ بود که به همین علت قطعه‌ها را یکی یکی بر زمین مسجدالحرام پهن می‌کردند و سپس هر یک از آنها را بر اساس جای خویش معین و منظم می‌ساختند. سپس قطعه‌های هر سمت از کعبه به هم دوخته می‌شد که در این میان آیات قرآنی نوشته شده بر کمر بند را نیز بدان می‌دوختند. هنگامی که این مرحله به پایان می‌رسید قطعه‌های هر سمت را لوله کرده، به صورت محکمی به دور هم می‌پیچیدند و سپس با طناب اطراف آن محکم می‌کردند. در این هنگام تعدادی از مردان در حالی که بر روی بام کعبه مشرفه می‌رفتند، طناب‌های خویش را به زمین مطاف پایین می‌فرستادند. قطعه‌های جامه به طناب‌های فرو فرستاده از بام متصل شده، آنگاه آنها را بر بام کعبه بالا می‌کشیدند. سپس قطعه‌های ویژه هر سمت را بر بالای دیوار کوتاه کعبه قرار داده، طناب‌های مخصوص را در حلقه‌هایی که بر پیرامون دیوار یاد شده از روی بام قرار گرفته بود، گره می‌زدند. این مراسم در روز هشتم





ذی الحجّه هر سال صورت می‌پذیرفت. قطعه‌های جامه نوین همچنان لوله شده در یک سمت از دیوار روی بام کعبه قرار می‌گرفت و جامه پیشین آن را نیز طبق معمول بر روی کعبه قرار می‌دادند. این وضع تا روز دهم ذی الحجّه که همانا روز عید قربان (یوم النحر) است، باقی می‌ماند. در پگاه آن روز مبارک، عده‌ای از مردان بر بام کعبه بالا رفته و طنابهای جامه قدیمی کعبه را از نقاط اتصالی آن جدا می‌ساختند که در این هنگام جامه بر زمین مطاف فرو می‌افتاد. در همان زمان گروهی دیگر از مردم، طناب‌های بسته شده بر جامه جدید را باز کرده و بدین صورت جامه نوین را بر کعبه مشرفه قرار می‌دادند. این دو حرکت آنچنان منظم و دقیق صورت می‌گرفت که همزمان با افتادن جامه پیشین و قدیمی کعبه بر زمین مطاف، جامه نوین بر کعبه آراسته می‌گردید. از آن پس جامه قدیمی را به سوی خانه پدیده‌دار کعبه حمل می‌نمودند. در این هنگام گروهی قطعه‌های جامه در ارکان چهارگانه کعبه را به هم می‌دوختند، همچنان که آنان اقدام به تثبیت رنگ‌های چهارگانه در حد فاصل میان آیات نوشته شده بر

کمر بند می‌کردند. در زمینه رنگهای یاد شده عبارت «یا حنّان و یا منّان» نقش بسته بود. - همچنانکه پیش از این یاد گردید - این قطعه‌ها در میان نوشته‌های روی کمر بند قرار داده می‌شد. سپس کردشیات چهارگانه در زمینه هر یک از آنها سوره حمد به تمامی نقش می‌بست. بر روی ارکان چهارگانه کعبه در زیر کمر بند، استوار و ثابت گردانیده می‌شد. تمامی قطعه‌های یاد شده بر روی جامه پس از قرار دادن آن بر روی کعبه مشرفه، دوخته می‌شد. خیاط ویژه جامه کعبه در حالی که بر روی صندلی چوبی ساخته شده بدین منظور می‌نشست، به وسیله طناب به نقاط مورد نظر هدایت شده و قطعه‌ها را در جای مناسب خود می‌دوخت.^{۱۴} این صندلی چوبی همانی است که از رقی از آن به عنوان «قرقره» در روایت خود از جامه مهدی عباسی در سال ۱۶۰ ه. ق. یاد کرده است. و بدینگونه جامه را از قدیم تا کنون بر کعبه مشرفه قرار داده و می‌دهند. البته در سنوات اخیر تغییراتی در زمان قرار دادن جامه بر کعبه مشرفه ایجاد شده است؛ به طوری که هم اکنون جامه را در روز عرفه که روز نهم ذی الحجّه بشمار

می آید، هنگامی که حاجیان در عرفات هستند، بر کعبه مکرمه قرار می دهند. امروزه، به علت اختراع و پیشرفت دستگاههای میکائیکی بالا برنده، قرار گرفتن جامه بر کعبه مشرفه و دوختن قطعه های آن به یکدیگر، کار را بسیار آسان کرده و در مقایسه با قدیم، زمان آن بسیار کوتاه تر گردیده است.

جامه قدیمی و چگونگی تصرف در آن

فقهای اهل سنت در چگونگی تصرف در جامه قدیمی کعبه، که پس از قرار دادن جامه جدید به دست می آید، اختلاف دارند. برخی از آنان به مشروعیت فروش جامه کعبه نظریه داده و برخی دیگر به خلاف این عقیده فتوا داده اند.

قلقشندی در کتاب خود، چندین بار به هنگام سخن از جامه کعبه مشرفه، این چنین یاد کرده است که پرده داران همواره جامه قدیمی کعبه را پس از برداشته شدن از روی کعبه مشرفه برای خود بر می داشتند و در صورتی که پادشاهان و یا بزرگانی از مردم قطعه ای از آن را در خواست می نمودند، در برابر هدایای سنگین و گرانبهائی، آن را

به دست می آوردند.^{۱۵}

به نظر می رسد که امرای مکه با پرده داران در جامه کعبه مشرفه شریک بوده اند.

ابن فضل الله عمری می گوید: «هنگامی که کعبه به وسیله جامه جدیدی پوشانیده می شد، جامه قدیمی در اختیار اشراف و بنی شیبه قرار می گرفت که از آن پس با تقسیم کردن و ارسال آن به سایر کشورها به عنوان تبرک، هدایا و مبالغی را به دست می آوردند.»^{۱۶}

فاسی نیز در این باره گفته است: امرای مکه همواره پرده در کعبه و قسمت بزرگی از جامه را در ازای شش هزار درهم که در اختیار پرده داران قرار می دادند، از آن خویش می نمودند. شریف «عنان بن مغامس بن رمیثه» هنگامی که در پایان سال ۷۸۸ ه. ق. عمارت مکه را در دست گرفت، این سنت را معمول داشت که پس از وی سایر امرای مکه اغلب از آن پیروی کردند. سید حسن بن عجلان نیز پس از سالها امارت بر مکه^{۱۷} پرده در کعبه و جامه مقام ابراهیم را از شیبان گرفته و در اختیار بزرگان و پادشاهانی که مورد نظر خویش بود و در دست عطا داشتند، قرار می داد.^{۱۸}





ابن ظهیره در این باره می‌گوید:
«امرای مکه پس از سید حسن همچنان سنت خویش را در این باره با پرده‌داران معمول داشتند که تا کنون نیز به همان صورت ادامه دارد».^{۱۹} مراد از «تا کنون» زمان ابن ظهیره است. نامبرده متوفای سال ۹۵۰ ه. ق. می‌باشد.

پادشاهان مصر نیز گاهی در این باره با پرده‌داران در تقسیم جامه، شریک شده و به قسمتی از آن دست می‌یافتند. گاهی برخی از این پادشاهان در برابر پولی که از بیت‌المال در اختیار پرده‌داران و اشراف قرار می‌دادند. تمامی جامه را از آن خود می‌نمودند.

سمهودی می‌گوید: «عادت بر این بود که به هنگام رسیدن جامه جدید، بزرگ خدومه، جامه قدیمی را در میان خدمتگزاران و دیگرانی که مورد نظر خود بود، تقسیم می‌کردند که در این میان قسمتی نیز برای سلطان مصر ارسال می‌گردید.»

ابن فضل‌الله عمری می‌گوید: «در سال ۷۳۸ ه. ق. جامه قدیمی کعبه از روی آن برداشته می‌شد و به سوی سلطان مصر ارسال می‌گردید و نام برده آن را به سلطان ابوالحسن المرینی،

پادشاه مغرب هدیه نمود. این بدان جهت بود که پادشاه مغرب در آن سال هدیه‌ای را به وسیله همراهان «مریم» همسر پدرش و «عریف سیدی» و گروهی از بزرگان دولتش، برای او فرستاده بود. پادشاه مصر در عوض جامه کعبه، از بیت‌المال در مصر برای خاندان شیبه و اشراف، پول فرستاد».^{۲۰}

در دوران جدید، جامه کعبه همواره میان امرای مکه و خاندان شیبی تقسیم می‌شد و امرای مکه، پرده در کعبه و کمر بند و جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام را از آن خود می‌کردند و شیبیان جامه کعبه و پرده باب التوبه را، که پله‌ای در درون کعبه برای راهیابی به بام آن می‌باشد و پرده در مقام ابراهیم خلیل علیه السلام را در اختیار خویش قرار می‌دادند. این وضع در دوران امارت شریف عون الرفیق (متوفای سال ۱۳۲۳ ه. ق.) و شریف علی بن عبدالله (که در سال ۱۳۲۶ ه. ق. عزل گردید) و شریف حسین بن علی به هنگام امارت او و اعلام استقلال، جریان داشت. به نظر می‌رسد این وضع در امارت پیش از افراد یاد شده نیز صورت می‌گرفته است.

هنگامی که ملک عبدالعزیز

آل سعود در سال ۱۳۴۳ ه. ق. به حجاز دست یافت. جامه کعبه به همراه سایر مشتقات آن از کمربندها و جز اینان را در اختیار خاندان شیعی قرار داد که این وضعیت در دوران ارسال جامه از مصر و نیز هنگامی که دولت عربستان سعودی اقدام به ساختن جامه در کارگاه جامه بافی اجیاد در مکه مکرّمه نمود، همچنان ادامه داشت. از آن پس با این حرکت، کشمکش‌ها و درگیری‌ها در این مورد از میان رفت و جامه به صورت حقی از حقوق شیعیان در آمد و پرده‌داران بنا به خواسته خود، در آن هرگونه تصرفی را می‌کردند. تقسیم جامه در میان خاندان

شیعی این‌گونه بود که سهم هر یک از آن افراد شامل پیر و جوان و طفل و مرد یا زن، همه به‌طور مساوی بوده، که در این میان تنها رییس و کلیددار کعبه دارای دو سهم از جامه می‌گردید. این قاعده با نظر تمامی آنان به تصویب رسیده و از قدیم تا دوران حاضر بدان عمل می‌کردند.^{۲۱}

در سال ۱۳۷۸ ه. ق. دولت عربستان سعودی، فروش جامه کعبه مشرفه را ممنوع اعلام کرده و در عوض، مبلغی را سالیانه در اختیار شیعیان قرار می‌دهد.^{۲۲}

والله هو الموفق و الهادی الی سواء السبیل
و ما توفیقی الا بالله العلیّ العظیم.

○ پانوشتها:

۱. ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۱
۲. شبیه فرزند عثمان بن ابی طلحه و از خاندان عبدالدار بوده که در آن هنگام پرده‌دار کعبه به شمار می‌آمده است - مترجم.
۳. نک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۶ و ۲۶۱؛ قطب‌الدین حنفی، الاعلام صص ۷۱ و ۷۲؛ محب‌الدین طبری، القرى لقاصد ام القرى، صص ۴۷۶ و ۴۷۷
۴. نک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۶۲ - ۲۶۴؛ محب‌الدین طبری، القرى لقاصد ام القرى، ص ۴۷۷
۵. قطب‌الدین حنفی، الاعلام، صص ۵۹ - ۶۳
۶. محمد ظاهر کردی، التاريخ القويم، ج ۴، ص ۲۶۲





٧. فاسي شفاء الغرام، ج ١، صص ١٤٦، ١٥٤ و ١٥٧
٨. ابن جبير، الرحلة، صص ١٠٣، ١٠٤ و فاسي، شفاء الغرام، ج ١، ص ١٢٨
٩. حسين عبدالله باسلامه، تاريخ الكعبة المعظمة، صص ٢٦٥ و ٢٦٧
١٠. ازرقى، اخبار مكة، ج ١، صص ٢٥٤ و ٢٥٧؛ فاسي، شفاء الغرام، ج ١ ص ١٢٦؛ عقداثمين، ج ١، ص ٦٠؛ محب الدين طبرى، القرى لقاصد ام القرى، ص ٤٧٦؛ قطب الدين حنفى، الاعلام صص ٧١-٧٢
١١. فاسي، شفاء الغرام، ج ١، ص ١٢٦؛ ابن ظهير، جامع اللطيف، ص ١٠٤
١٢. ازرقى، اخبار مكة، ج ١، ص ٢٥٥
١٣. ازرقى، ج ١، ص ٢٦٣؛ محب الدين طبرى، القرى لقاصد ام القرى، ص ٤٧٧؛ ابن ظهير، جامع اللطيف، ص ١١٠
١٤. محمد طاهر كردى، تاريخ القويم، ج ٤، صص ٢٣٢، ٢٣٣، ٢٧٢ و ٢٧٣
١٥. صبح الاعشى، ج ٤، صص ٢٧٦، ٢٨٣
١٦. يوسف احمد، المحمل والحج، ج ١، ص ٢٤٤
١٧. نامبرده در سال ٧٩٨ هـ. به امارت مكة رسيد و تا سال ٨٠٩ هـ. آن را در دست داشت.
١٨. فاسي، شفاء الغرام... ج ١، ص ١٢٦
١٩. جامع الطيف، ص ١٠٨
٢٠. يوسف احمد، المحمل والحج، ج ١، ص ٣٨٥
٢١. حسين عبدالله باسلامه، تاريخ الكعبة المعظمة، صص ٣٧٦ و ٣٧٧
٢٢. محمد طاهر الكردى، تاريخ القويم، ج ٤، ص ٢٢٨